

مسئله انقلاب

شماره ۶۳، سه شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۸

یا لولای العریب

می سازیم
تا ساخته شویم



سهل باشد رنج دنیا پیش آن ای بشر آن کو جهادی می‌رود*



نوشته‌ی **علی منصوری**
ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک

اواسط دهه‌ی پنجاه که امام خمینی(ره) می‌گفت: «انقلاب ما انقلاب پابره‌نه هاست،تنها کسی تا آخر خط با خواهد بود که درد فقر را چشیده باشد» خیلی‌ها نمی‌فهمیدند او چه می‌گوید. امام را با شعارهای منحصرا سیاسی شناخته بودند و هیچ دیدی از یک فرد عدالت‌طلب از شخصیت امام راحل نداشتند. انقلاب که به ثمر رسید و شاه سرنگون شد، با به‌میدان‌آمدن جمعیت زیادی از این پابره‌نه‌ها و فقرا، اندکی ملموس‌تر شد؛ اما هنوز هم دید درستی وجود نداشت. همواره تا یک پدیده از نزدیک مشاهده نشود، نمی‌توان نظر درستی در مورد آن داد؛ هرچه پشت میز باشیم و صدها ساعت کلاس عدالت‌طلبی شرکت کنیم و سخنرانی‌های غرا و کوبنده سردمداران عدالت را در لوکس‌ترین میدان‌های شهر و مساجد آن گوش بدهیم، نخواهیم فهمید که فقر و استضعاف یعنی چه؟ کم‌کم صدای فعالیت‌های جهادگران به گوش رسید. بزرگ‌مردانی که بدون هیچ چشم‌داشتی به مناطق محروم کشور می‌رفتند تا صاحبان اصلی این انقلاب را از نزدیک ببینند و خادمی این صاحبان را بکنند. به لطف و یاری خداوند، سال ۹۵ بود که به نیت خدمت به همین محرومین گروه جهادی شهید وزوایی در دانشگاه شریف تاسیس شد. اینجا بود که سوال پیش آمد کدام منطقه برای خدمت مناسب است؟ بین مناطق مختلف اعم از خراسان شمالی و جنوبی، کرمان، سیستان و بلوچستان و... خراسان جنوبی انتخاب شد. خراسان جنوبی مرز مشترک کشور ایران با افغانستان است: کشوری که همواره محل جولان تروریست‌ها و قاچاق‌های بی وقفه بوده است. این دلایل بود که گروه را بر این داشت تا استان خراسان جنوبی و علی‌الخصوص مناطق نزدیک‌تر به مرز آن را برای انجام فعالیت‌های جهادی انتخاب کند. از اردوی اول تا همین اردوی پیش رو، مناطق حاجی‌آباد و افضل‌آباد و شاهکوه و...

ایران جوان، رویای من

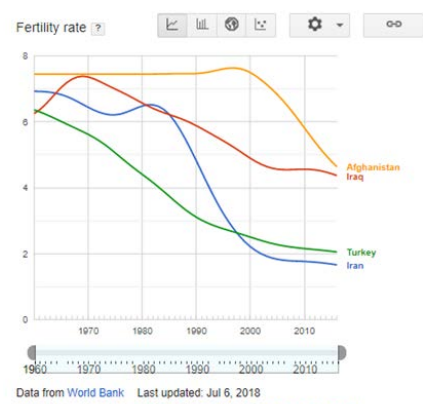
نوشته‌ی **نگار دین‌پژوه**

ورودی ۹۳ فیزیک

مدتی است در محافل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مسئله‌ی پیرشدن جمعیت آینده ایران و به‌تبع کاهش نیروی جوان به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی مطرح می‌شود. موضوعی که باوجود تأکیدات چندباره‌ی رهبر معظم انقلاب، اقدام جالب‌توجهی برای مرتفع شدن آن از سوی مسئولین صورت نگرفته است و حتی به‌نوعی به حاشیه کشانده شده است. در این گفتار کوتاه برآنیم که جدیت و اهمیت این مسئله را بررسی کنیم.

جمعیت جوان یکی از مهمترین عوامل پیشرفت برای کشورغنی ازلحاظ فرهنگی است. ضرورت وجود نیروی انسانی جوان چه در عرصه‌ی اقتصادی برای گذراندن چرخ صنعت و چه در تربیت مهندسین کارآمد برای بازار نوآوری صنعتی و چه درزمینهٔ ی تربیت دانشمندان نخبه برای تولید هرچه بیشتر علم نوین در عرصه جهانی مبرهن است.

پل ساموئلسون، اقتصاددان آمریکایی و برنده‌ی جایزه نوبل اقتصاد سال ۱۹۷۰، در مقاله‌ی خود با عنوان «یک مدل دقیق وام مصرفی، با یا بدون قرارداد اجتماعی پول» اثبات می‌کند که: «بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد، نرخ باروری انسانی است.»

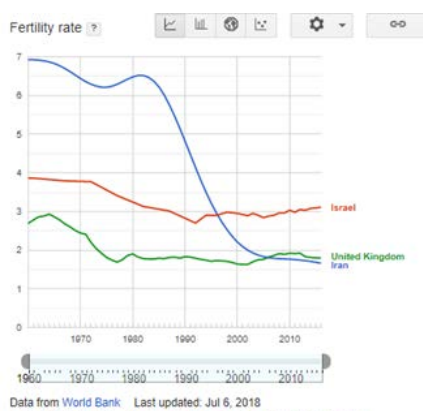


نرخ باروری ایران در مقایسه با کشورهای همسایه

جمعیت

جمعیت همچنین نقش تعیین‌کننده‌ای درصحنه‌ی نظامی دارد. یک کشور هر چه قدر هم سلاح‌های پیشرفته و قوی داشته باشد، تا نیروی انسانی کافی نداشته باشد نمی‌تواند ادعا کند که یک

نیروی نظامی قوی محسوب می‌شود.



نرخ باروری ایران در مقایسه با انگلیس و اسرائیل

در عرصه‌جهانی نیز، نیروی انسانی یکی از معیارهای توسعه محسوب می‌شود.برای مثال بعد از وقوع انقلاب جنسی نرخ باروری در آمریکا که در سال ۱۹۵۸، ۳/۸ بود در سال ۱۹۷۶ به ۱/۷۶ رسید. نتیجه‌ی استراتژیک این افت نرخ باروری و کاهش جمعیت ، وقوع رکود اقتصادی در آمریکا بود.

هانتینگتون، دانشمند آمریکایی و نظریه‌پرداز جنگ تمدن‌ها می‌گوید: «آینده‌ی غرب و نفوذ آن بر جوامع دیگر تا حدود زیادی بستگی به این دارد که غرب در برخورد با این مشکلات (فساد در خانواده: شامل افزایش نرخ طلاق، فرزندان نامشروع، حاملگی در سن نوجوانی، خانواده‌های تک والد و ...) که به برتری اخلاقی مسلمان‌ها و آسیایی‌ها منجر شده است، تا چه حد موفق باشد... تمدن اسلامی ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد زادوولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده، امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند.»

اگر نگاهی به تاریخ جمعیتی ایران بعد از انقلاب بیندازیم، امام خمینی(ره) جمعیت ۲۰۰-۱۵۰ میلیونی را با توجه به منابع و ظرفیت کشور برای برنامه‌ریزی جمعیتی اعلام می‌کند. اما در دهه‌ی ۶۰ تبلیغات دروغین «بمب جمعیتی» در رسانه‌ها به رهبری گروهی خاص به راه می‌افتد. در همین سال‌ها بعضی‌ها به همین بهانه نزد امام خمینی می‌روند و از ایشان برای اعمال سیاست‌های کاهش جمعیت اجازه می‌گیرند، اما ایشان

چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. کمی بعد همین افراد با دست گرفتن حکم جواز استفاده از داروهای ضدبارداری به تبلیغ و اجرای سیاست‌های کاهش جمعیت می‌پردازند.

در سال ۶۸ در برنامه‌ریزی بلندمدت، باسیاست‌های درحال پیگیری قرار می‌شود تا سال ۹۰ نرخ باروری از ۶/۹ به ۴ برسد. این برنامه‌ریزی عاقلانه به نظر می‌رسید اما این هدف به‌جای ۲۳ سال در ۳ سال محقق شد و در سال ۷۱ نرخ باروری به ۴ رسید! اما عجیب‌تر آنکه بعد از سال ۷۱ نه‌تنها سیاست‌های کاهش جمعیت متوقف نمی‌شود بلکه در سال ۷۲ در یک عمل غیرانسانی حقوق فرزند چهارم به بعد قطع می‌شود و در سال ۷۳ در اجلاس قاهره ایران متعهد می‌شود که رشد جمعیت خود را به صفر برساند!

سرانجام در سال ۱۳۷۹ نرخ باروری (تعداد فرزندان به ازای هر زن ۱۵-۳۵ ساله) به زیر نرخ جایگزینی (نرخ‌ی که با آن جمعیت آن منطقه ثابت می‌ماند.) یعنی ۲/۳ می‌رسد. این یعنی از سال ۱۳۷۹ به بعد ایران قادر به حفظ جمعیت کنونی خود نخواهد بود و این هشدارى برای آینده‌ی جمعیتی ایران به‌حساب می‌آمد.

وهانتینگتون، دانشمند آمریکایی و نظریه‌پرداز جنگ تمدن‌ها می‌گوید: «آینده‌ی غرب و نفوذ آن بر جوامع دیگر تا حدود زیادی بستگی به این دارد که غرب در برخورد با این مشکلات (فساد در خانواده: شامل افزایش نرخ طلاق، فرزندان نامشروع، حاملگی در سن نوجوانی، خانواده‌های تک والد و ...) که به برتری اخلاقی مسلمان‌ها و آسیایی‌ها منجر شده است، تا چه حد موفق باشد

وضعیت کنونی

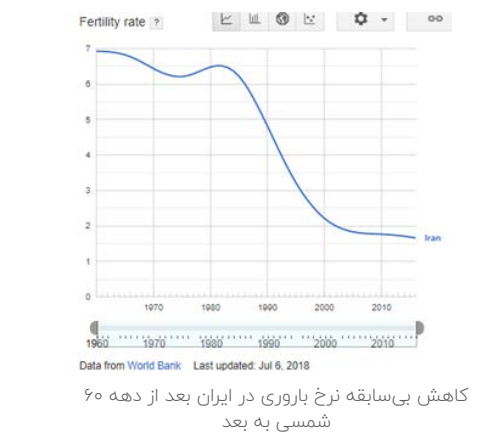
با ادامه‌ی سیاست‌های کاهش جمعیت، اکنون به نرخ باروری ۱/۶ در سال ۲۰۱۷ رسیده‌ایم که کمتر از نرخ باروری کشورهای همسایه و همچنین کمتر از نرخ باروری اسرائیل و کشور انگلیس است.

این در حالی است که حتی با نادیده گرفتن منابع غنی طبیعی ایران، تراکم جمعیت در ایران (۴۸ بر کیلومترمربع) کمتر از کشورهای عراق (۶۶ بر کیلومترمربع) و ترکیه (۹۳ بر کیلومترمربع) و



تقریباً برابر با افغانستان (۴۹/۸۸ بر کیلومترمربع) و انگلیس (۲۲۳ بر کیلومترمربع) است. این آمار در مقایسه با اراضی اشغال‌شده توسط اسرائیل (۳۸۷ بر کیلومترمربع) هم بسیار کمتر است.

ا ز



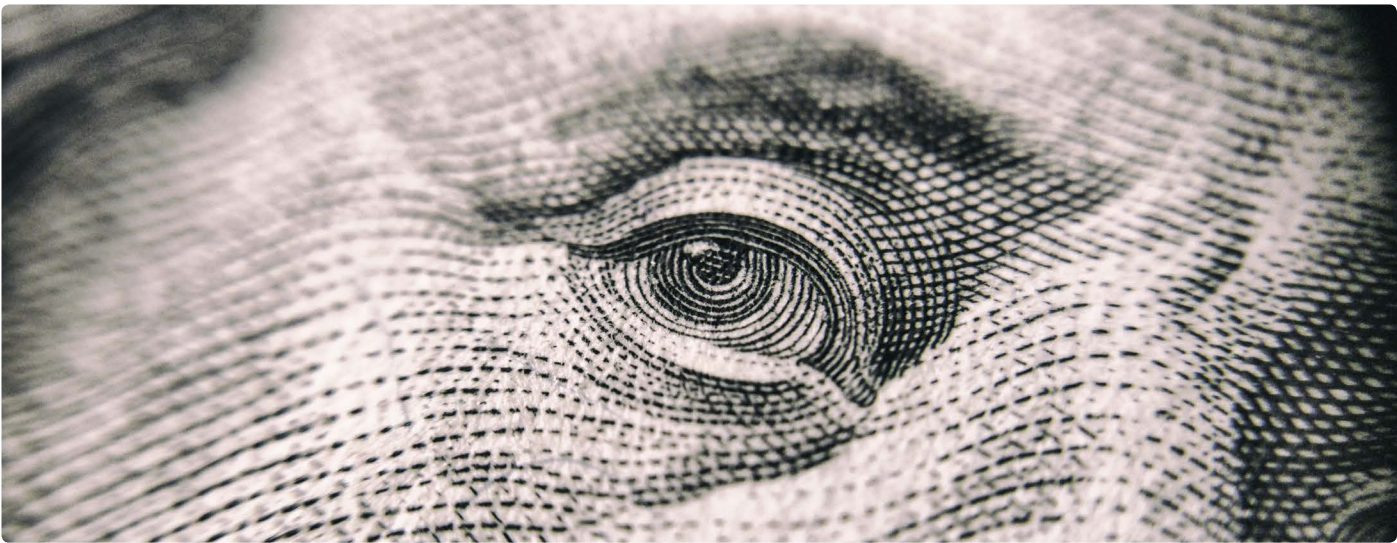
کاهش بی‌سابقه نرخ باروری در ایران بعد از دهه ۶۰ شمسی به بعد

همه مهم‌تر با ادامه این روند نسبت تعداد جوانان به کل جمعیت کاهش‌یافته و بار سنگینی از پیشرفت و کار جامعه بر دوش جوانان می‌افتد و ما شاهد کشوری پیر، در آینده نه‌چندان دور خواهیم بود. محققان بر این باورند که ایران برای از دست ندادن نیروی جوان کنونی خود، حداقل باید بتواند نرخ باروری خود را در مرز ۲/۵ تثبیت کند.

علاوه بر این با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری، جمعیت ایران با توجه به منابع غنی و امکانات خود تا ۱۵۰ میلیون نفر باید افزایش پیدا کند و هرگونه سیاست کاهش جمعیت بعدازاین مقدار جمعیت رخ بدهد.

حال سؤال این است باوجوداینکه نرخ باروری در ایران حتی کمتر از کشوری مانند انگلیس است و به گفته‌ی امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، ما جمعیت ۱۵۰ میلیونی را هدف‌داریم چرا مسئولین سیاست‌های جدی در راستای افزایش مولاید انجام نمی‌دهند؟ حال سؤال این است باوجوداینکه نرخ باروری در ایران حتی کمتر از کشوری مانند انگلیس است و به گفته‌ی امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، ما جمعیت ۱۵۰ میلیونی را هدف‌داریم چرا مسئولین سیاست‌های جدی در راستای افزایش مولاید انجام نمی‌دهند؟

^[1] اقتباسی از اشعار مولوی



راهکارهای تحقق شفافیت در لایه‌های حاکمیتی

حلقه‌ی گم‌شده‌ی مردم و حکومت



نوشته‌ی میلاد صمیمی‌فر

ورودی ۹۶ مهندسی برق

در قسمت قبلی متن، تعریفی از شفافیت خواندیم و آن را یکی از حلقه‌های گمشده‌ی رابطه‌ی مردم و حکومت اسلامی یافتیم. رابطه‌ای که تا ۳۰ سال قبل باید درکتاب‌ها به دنبال تعریفش می‌رفتیم و امروز با تکیه به تجربه‌ی چهل ساله‌ی انقلاب، می‌توانیم آن را تعریف و تدوین کنیم. در نوشته‌ی آتی، به بررسی مصداقی‌تر شفافیت و به خصوص شفافیت درحوزه‌ی مجلس شورای اسلامی می‌پردازیم:

یک بررسی ساده از ساز و کار نظارت بر پارلمان‌های کشورهای مختلف دنیا، نشان می‌دهد که مردم به راحتی می‌توانند به اطلاعات بسیاری مانند وعده‌های ثبت شده توسط نامزدها، تعداد جلسات حضور آن‌ها در مجلس، نظر نمایندگان در رأی‌گیری‌های مختلف مجلس و بسیاری موارد دیگر دسترسی داشته باشند که این موضوع در کشور ما از اطلاعات محرمانه به شمار می‌رود.

فتحعلی‌زاده عضو ستاد دانشجویی شفافیت در این خصوص می‌گوید: متأسفانه ما از کشورهای جهان سوم هم در این زمینه[شفافیت] عقب‌تر هستیم. به نظر این خیلی اتفاق بدی است که مجلس در کشور ما شفاف نیست و این باعث می‌شود حضور مردم بعد از انتخابات بی معنی باشد، چون الزامات این که بعد از انتخابات نمایندگان را پاسخگو کنیم، وجود ندارد.

اما کشورهای دیگر برای شفاف‌سازی مجالس خود چه می‌کنند؟ چه شاخص‌هایی برای شفافیت در پارلمان‌های کشورهای دیگر وجود دارد؟

هزینه‌های انتخاباتی و دارایی‌ها

ثبت هزینه‌های انتخاباتی یکی از مهم‌ترین

شاخص‌هایی است که در بسیاری از کشورهای دنیا در اختیار عموم قرار می‌گیرد. بر اساس آمارهای بین‌الملل ۷۲ درصد کشورهای جهان برای شفاف‌سازی هزینه‌های انتخاباتی نامزدها قانون دارند. گزارش دیگری از بانک جهانی نشان می‌دهد که از بین ۸۷ کشور بررسی شده ۵۱ کشور قوانینی برای الزام اعلام عمومی دارایی‌های مسئولان دارند. از بین این کشورهای در ۳۳ کشور بستگان درجه‌ا آن‌ها هم باید اموال و دارایی‌های خود را اعلام کنند. در بین این ۳۳ کشور نام کشورهایی مانند اوگاندا و پاکستان هم به چشم می‌خورد.

در افغانستان هم مسئولان دولتی و نمایندگان

برخی از نمایندگان مجلس در جمع‌های خاصی علاقه ندارند رای‌ی که به «برجام» در مجلس داده‌اند را اعلام کنند. موضوع وقف دانشگاه آزاد هم یکی از نمونه‌ها بود که برخی از نمایندگان شجاعت اعلام رای‌ی که داده بودند را نداشتند.

مجلس موظف هستند تا تمامی دارایی‌های و مشاغل پیشین خود را رسماً اعلام کنند و این اطلاعات از طریق سایت رسمی اداره مبارزه با مفاسد اداری در دسترس عموم گذاشته می‌شود.

ثبت عمومی وعده‌های انتخاباتی

یکی از مشکلات همیشگی در انتخابات وعده‌های است که به قول عامیانه بدون کنتور از زبان نامزدها صادر می‌شود. وعده‌هایی که عملی نشدن آن‌ها در دوره‌های مختلف موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به حاکمیت خواهد شد. ثبت رسمی و عمومی وعده‌های انتخاباتی شیوه‌ای است که در بسیاری از کشورها برای مقابله با وعده‌های

راهروهای مجلس قدم می‌زد و گاه وبی‌گاه هدایایی را به نمایندگان مجلس ششم می‌داد و از آن‌جایی که هیچ مسئولی موظف به اعلام هدایای دریافتی نبود، حتی پس از اینکه پای شهرام جزایری در تله افتاد بسیاری از رشوه‌بگیران با هدیه خواندن دریافتی‌ها توانستند از غائله بگریزند.

در بسیاری از کشورهای جهان برای مبارزه با رشوه‌خواری، مسئولان رده بالا موظف هستند تا تمامی هدایای دریافتی از اشخاص و نهادهای مختلف را اعلام کنند. بر اساس این قوانین، صرف دریافت هدیه جرم نیست اما اگر کسی هدیه‌ای گرفت و آن را اعلام عمومی نکرد مجرم است. برای نمونه نمایندگان پارلمان اروپا موظف هستند تا تمام هدیه‌هایی که دریافت می‌کنند را با ذکر جزئیاتی مانند: قیمت تقریبی، نام هدیه دهنده، عکس هدیه و... رسماً ثبت کنند.

مجلس کشورهای مختلف متن کامل و رسمی صحن مجلس‌هایشان را پس از چند روز منتشر می‌کنند اما در سایت مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی تنها متن جلسات مجلس هشتم به قبل وجود دارد. یعنی تأخیری ۴ ساله در انتشار متن مذاکرات مجلس!

شفافیت آراء و فعالیت‌ها

یکی از بهترین معیارهای قضاوت درباره نمایندگان مجلس و ارزیابی عملکرد آن‌ها رای‌های آن نماینده به طرح‌های مختلف است. بسیاری از فعالان جنبش‌های دانشجویی بارها با طفره رفتن نمایندگان مجلس درباره رای‌شان به برخی از طرح‌های خاص روبه‌رو شده‌اند؛ مثلاً برخی از نمایندگان مجلس در جمع‌های خاصی علاقه ندارند رای‌ی که به «برجام» در مجلس داده‌اند را اعلام کنند. موضوع وقف دانشگاه آزاد هم یکی از نمونه‌ها بود که برخی از نمایندگان شجاعت اعلام رای‌ی که داده بودند را نداشتند.

در پارلمان بسیاری از کشورها رای هر نماینده به لایحه، طرح یا اعتماد به وزرا به صورت آنلاین و عمومی قابل مشاهده است. در بین کشورهای شفاف در این زمینه نام کشورهایی مانند: کنیا، تونس و حتی کلمبیا(مرکز قاچاق مواد مخدر) هم به چشم می‌خورد. علاوه بر اعلام عمومی رای نمایندگان، حضور و غیاب در صحن علنی و کمیسیون‌ها هم در ایران در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد. موضوعی که در اغلب پارلمان‌های جهان یک اصل بدیهی به شمار می‌رود و حتی مجلس کشوری مانند عراق هم این اطلاعات را منتشر می‌کند. این در حالی است که نظر رهبر انقلاب صراحتاً خلاف رویه معمول است و ایشان می‌فرمایند: «مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند.»



مردم نتوانند نظارت دقیقی بر عملکردشان داشته باشند انتظار شفافیت در زمین اقتصاد هم دور از ذهن است. تا زمانی که این قدر ساختار غیر شفاف و در پرده باشد ، هر تعداد سلطان(سکه ،گوشت، ماست ، پوشک ، پنیر و الی ماشاالله) هم دار بزنیم چه فایده ای دارد غیر از این که دزدها حرفه ای تر شوند که مثل دوستانشان گرفتار نشوند.

باید به این گفته امام توجه کنیم که می‌فرمایند: مجلس در راس امور است.چرا نمی‌گویند دولت در راس امور است. چرا قوه قضائیه در رأس امور نیست؟ مسعود رضایی، نماینده شیراز، می‌گوید: «زمانی که در عرف سیاسی و دموکراسی قدرت را تعریف می‌کنیم و می‌گوییم قدرت باید شکسته شود تا به همه برسد و بتواند همه امور را کنترل کند، دلیل و فلسفه تفکیک قوا بر این اساس شکل گرفته است. در نتیجه مجلس به عنوان قوه مادر و قوه‌ای که مستقیم قدرت، مشروعیت و مقبولیتش را از مردم می‌گیرد، آن مقبولیت و مشروعیت را به سایر جایگاه‌ها تسری می‌دهد.»

رهبر انقلاب در ابتدای جلسه‌ی درس خارج فقه خود، در توضیح «نامه‌ی حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خطاب به مسئولان و فرماندهان نظامی» می‌فرماید:«شفّا قَیت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ می‌گوید «حَقّ شما بر من -یعنی حقّی که شما پیش من دارید- [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم.»»

پس چطور است از مجلس خودمان شروع کنیم؟ اگر ندانیم نمایندگانمان به چه رای می‌دهند و چه چیزی را برای یک ملت تصویب می‌کنند که گاه سرنوشت ملت به آن وابسته است،چگونه خواهیم فهمید که یک نماینده کارش را درست انجام داده یا خیر؟

چیزی به انتخابات مجلس شورای اسلامی نمانده. بیایم شفافیت را از نماینده خود مطالبه کنیم.



فرض کنید روزی، به شما ارث زیادی از فامیلی ثروتمند می‌رسد. آیا شما آن دارایی را در همان چند روز اول خرج مهمانی و خوش‌گذرانی می‌کنید و سپس به روال عادی زندگی خود برمی‌گردید؟ یا ترجیح می‌دهید آن ارث را پس‌انداز -یا سرمایه‌گذاری- کنید و در زمان طولانی‌تری از آن بهره ببرید؟ نفت هم در واقع همان ارثی است که به ما رسیده. بهتر است از آن چگونه استفاده کنیم؟ باید خودمان با هزینه‌ای اندک آن را بسوزانیم؟ یا بهتر است آن را پس از پالایش، آن را بفروشیم و از ارزش افزوده‌ی آن هم بهره‌مند شویم؟

بی‌عدالتی یارانه‌ای

در ایران روزانه ۸۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شود یعنی سرانه مصرف بنزین در ایران یک لیتر است. قیمت این بنزین در ایران لیتری ۱۰۰۰ تومن است و قیمت خرده‌فروشی بنزین(قیمت پمپ بنزین) در منطقه حدود ۵۰ سنت است که این یعنی با دلار ۱۳۰۰۰ تومن، روی هر لیتر بنزین ۵۵۰۰ تومن یارانه به مردم داده می‌شود. یعنی چی؟ یعنی اگر دولت دقیقاً همین مقدار پول را به مردم متناسب با مصرفشان و به صورت نقدی بدهد و بنزین را به قیمت منطقه بفروشد، برای مردم فرقی ایجاد نمی‌شود. این مقدار یعنی ۱۶۵هزارتومن به صورت ماهانه؛ دولت به هر ایرانی ماهانه ۱۶۵هزار تومن یارانه روی قیمت بنزین می‌دهد. اما در همین مثال معلوم می‌شود که عدالت فدا شده است. به وضوح افراد فرودست و ناتوان -از لحاظ مالی- به دلیل نداشتن خودرو، چندان مصرف مستقیم بنزین ندارند؛ از طرفی افراد توانمند از نظر مالی مصرف مستقیم بنزین بسیار زیادی دارند. در واقع دولت به افراد پولدار جامعه، یارانه‌ی بیشتری روی بنزین می‌دهد! مشکلات این یارانه‌ی بنزین اینجا تمام نمی‌شود؛ این‌جاست که قاچاق‌چی‌های سوخت وارد

آیا گران‌شدن بنزین به نفع همه است؟

به نامِ همه، به کامِ ...



می‌شوند. قاچاق‌چی می‌تواند سوخت را با قیمتی بسیار ارزان در مرزهای ایران بخرد و به راحتی با رد شدن از مرز، پول خوبی به جیب بزنند. پس با یک سفر از ایران به پاکستان یا ترکیه، برادر قاچاق‌چی می‌تواند چند میلیون پول به جیب بزند. بخش زیادی از یارانه‌ی روی بنزین به جیب قاچاق‌چی‌های سوخت می‌رود. یعنی حتی بنزین ۲۵۰۰ تومنی هم به‌صرفه است که قاچاق شود!

یکی از راهکارهای عالی برای بدست آوردن قیمت بنزین در ایران، این است که در ایران بازاری تشکیل شود؛ و در این بازار افراد بتوانند سهمیه‌ی اضافی بنزین خود را بفروشند و یا سهمیه‌ی اضافی افراد دیگر را بخرند. در این شرایط اصطلاحاً قیمتی تعادلی در بازار درست می‌شود. در این قیمت تعادلی، افرادی که ماشین ندارند می‌توانند سهمیه‌ی بنزین خود را بفروشند و پول آن را بدست آورند.

راهکار؟

باید به این سوال پاسخ بدهیم که آیا گران شدن بنزین منجر به تورم می‌شود یا نه؟ یعنی آیا اگر بنزین گران شود، آیا کالاهای دیگر هم به طور میانگین متناسب با آن گران می‌شود؟ جواب به طرز عجیبی منفی است. چندین‌بار در تاریخ ایران، قیمت بنزین ناگهانی گران شده است و آمارهای بانک مرکزی اثبات می‌کند که تورم‌آفرین نبوده است. در این حد که چندین بار تا به حال در مقاله‌های اقتصاددانان در جهان، به این موضوع اشاره شده است!

*** آیا قیمت بنزین را در داخل به قیمت جهانی بفروشیم؟ خیر.**

*** آیا خوب است که هر چند وقت یک بار رابزنی کنیم و قیمت بنزین را افزایش دهیم؟ خیر.**

خوب نیست که هر چند وقت یک بار سر قیمت بنزین بحث شود؛ چون برای عوض‌کردن هرباره‌ی قیمت بنزین مجبور به مقدار زیادی رابزنی

هستیم که خیلی بد است و هزینه‌های اجتماعی و سیاسی زیادی دارد. بهتر است این قیمت بنزین به صورت پویا و تابعی از عرضه و تقاضا مشخص شود. یکبار این قیمت مشخص شود تا هرچند سال یکبار سیاست‌گذار مجبور به پرداخت هزینه‌ی اجتماعی نباشد.

یکی از راهکارهای عالی برای بدست آوردن قیمت بنزین در ایران، این است که در ایران بازاری تشکیل شود؛ و در این بازار افراد بتوانند سهمیه‌ی اضافی بنزین خود را بفروشند و یا سهمیه‌ی اضافی افراد دیگر را بخرند. در این شرایط اصطلاحاً قیمتی تعادلی در بازار درست می‌شود. در این قیمت تعادلی، افرادی که ماشین ندارند می‌توانند سهمیه‌ی بنزین خود را بفروشند و پول آن را بدست آورند. مزیت این بازار برای دولت حداقل این است که کمتر نگران آلودگی هوا خواهد بود. مزیت بسیار بزرگ دیگری برای دولت وجود دارد و این است که بنزین قابلیت خرده‌فروشی دارد؛ اما نفت خام این قابلیت را ندارد و بنابراین یکی از راه‌های دور زدن تحریم‌ها برای ایران هم می‌تواند این باشد که نفت را تبدیل به بنزین کند و این بنزین را در بازارهای خرد بفروشد. یکی دیگر از دلایل به‌صرفه‌بودن اینکار این است که اصطلاحاً نفت شناسنامه دارد؛ اما بنزین این‌طور نیست. یعنی نفتی که از چاه‌های ایران خارج می‌شود با نفتی که از عراق یا عربستان خارج می‌شود متفاوت است. اما بنزینی که از پالایشگاه خارج می‌شود این‌طور نیست. پس ردگیری نفت ایرانی برای کشور تحریم‌کننده ساده است اما برای ردگیری بنزین ایرانی برای تحریم‌کننده به هیچ وجه ساده نیست.

از این صحبت‌ها نتیجه می‌گیریم که چندگروه در گران شدن بنزین سود نمی‌کنند: قاچاق‌چی‌های بنزین، افراد ثروتمندی که از بنزین به صورت مستقیم استفاده‌ی زیادی می‌کنند و سیاست‌مداران عافیت طلب پوپولیست که برای گران‌شدن بنزین مجبور به صرف هزینه‌ی اجتماعی هستند.

یادداشت

فرصت در سختی

«آدم بدبین سختی را در هر فرصتی می‌بیند و آدم خوشبین، فرصت را در هر سختی.»

وینستون چرچیل



معافیت خرید نفت از ایران تمدید نشد. با فرض ادامه این روند برای سال جاری، اقتصاد کشور با فرصت‌ها و تهدیدهایی روبرو خواهد شد. در این متن با توجه به احتمال بالای جدی‌شدن مشکل فروش نفت، تبعات این اتفاق را بررسی می‌کنیم.

در سال گذشته، نفت سهم ۴۸ درصدی از صادرات کشور را به خود اختصاص داد؛ و این یعنی حدود نیمی از درآمد ارزی ما از نفت است؛ اما این منابع ارزی، کجا مصرف می‌شوند؟ واردات مصرف اصلی این منابع ارزی هستند. در سال‌های اخیر، درکنار واردات، مصارف مهم دیگری پدید آمده‌اند: خروج سرمایه و هم‌چنین خرید اسکناس به عنوان یک سرمایه‌گذاری. واردات را می‌توان به دو دسته‌ی واردات کالاهای سرمایه‌ای و واردات کالاهای مصرفی تقسیم نمود. کالای سرمایه‌ای کالایی است که در تولید محصولات و خدمات دیگر استفاده می‌شود.

بدون شک کاهش منابع ارزی واردات کالاهای مصرفی را با مشکل روبرو می‌کند.در کوتاه مدت منجر به افزایش قیمت ها می‌شود و در نتیجه تورم‌زا خواهد بود. شاید این ابهام پیش بیاید که چرا باید کالاهای غیروارداتی افزایش قیمت پیدا کنند؟ مشخصاً بسیاری از بنگاه‌های تولیدی داخل کشور، مواد اولیه‌ای مصرف می‌کنند که یا وارداتی هستند و یا به دلایل دیگر کاملاً وابسته به نرخ ارز. آن‌هایی هم که مواد اولیه‌ی وارداتی ندارند، از آن‌جا که می‌توانند بازار جایگزین خارجی را به جای بازار داخلی انتخاب کنند، گران و گران‌تر می‌شوند (مشابه آنچه برای گوشت اتفاق افتاد...) بنابراین احتمال ادامه‌ی تورم سال گذشته در سال جاری بسیار زیاد خواهد بود.

در کنار این تهدید، فرصت مناسبی فراهم می‌شود. این کاهش منابع ارزی فرصت مغتنمی برای همه‌ی محصولات تولیدی در داخل کشور فراهم می‌کند تا به فکر پیداکردن بازار برای صادرات باشند. این موضوع نه‌تنها می‌تواند به تولیدکننده‌های داخلی کمک کند و منبعی برای تامین ارز مورد نیاز کشور باشد،

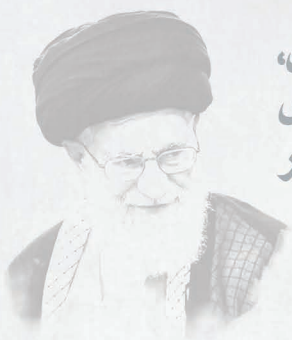
نروژ چگونه سرنوشت خود را تغییر داد؟

نوشته‌ی امین قندی جلواتی
ورودی ۹۶ مهندسی عمران

در سال ۱۹۹۰ میلادی بعد از نوسانات شدید قیمت نفت، دولت نروژ برای جلوگیری از تاثیر منفی این نوسانات بر اقتصاد کشور تصمیم گرفت تا با تاسیس صندوقی به‌منظور ذخیره درآمدهای نفت و گاز اقتصاد کشور را از درآمدهای نفتی مستقل کند.. نروژ پول حاصل از نفت و گاز را در خارج از کشور سرمایه‌گذاری و بخشی از سود حاصل از آن را به اقتصاد ملی وارد کرده است. این بهترین شیوه‌ای است که می‌توان در برخورد با درآمدهای نفتی پیش گرفت. به‌کارگیری این راهکار توسط نروژ باعث شده یک منبع ارزی نزدیک به ۹۵۰ میلیارد دلاری برای این کشور شش میلیون‌نفری ایجاد شود و نوسان قیمت نفت نیز هیچ تلاطمی در اقتصاد ملی نروژ ایجاد نکند. در حال حاضر این صندوق سهامدار نزدیک به ۹ هزار شرکت در سراسر دنیاست. بیش از ۶۰ درصد موجودی صندوق در سهام شرکت‌ها و ۳۵ درصد در اوراق قرضه با درآمد ثابت و به تازگی ۵ درصد آن در ساختمان سرمایه‌گذاری شده است. بیش از ۷۷ کشور دنیا مقصد سرمایه‌گذاری‌های این صندوق هستند و به این ترتیب با تنوع‌سازی سرمایه‌گذاری‌های صندوق، میزان ریسک آن در حداقل ممکن نگه داشته شده است

برعکس این موضوع را در کشورهای عضو اوپک و ایران شاهد هستیم. وقتی قیمت نفت افزایش می‌یابد، اقتصاد این کشورها دچار بیماری هلندی و در زمان کاهش قیمت نفت، دولت آنها با کسری بودجه و تورم روبه‌رو می‌شود. در هر دو حالت، همیشه اقتصاد این کشورها و از جمله ایران دچار مشکل شده است. نکته جالب این است که رشد اقتصادی این کشورها هم همراه با نوسانات درآمدهای نفتی، نوسان داشته و هیچ‌وقت روند باثباتی نداشته است. مبنای آنچه که مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور به آن اشاره کرده، این است که برای جلوگیری از تکرار حوادث ناخوشایندی که در سال‌های اخیر بر درآمدهای نفتی ایران رفت یا به‌عبارتی برای اینکه از گذشته درس بگیریم و نگذاریم دوباره اقتصاد دچار اختلال شود، باید صندوق ذخیره ارزی با یک قاعده نظام‌مند ایجاد شود و اساس کار هم این باشد که اولاً از این صندوق، پول برای هزینه‌های جاری دولت برداشت نشود و ثانیاً منابع آن صرف خرید تکنولوژی جدید و ایجاد و توسعه زیرساخت‌های کشور شود. صرف پول برای ایجاد زیرساخت و خرید تکنولوژی جدید به‌مثابه ایجاد ثروت برای نسل‌های آینده است. در کنار این، باعث می‌شود نوسانات قیمت نفت نیز اثری بر بودجه کل کشور نداشته باشد

در سنوات گذشته بیش از هزار میلیارد تومان نفت فروخته‌ایم. اگر این مبلغ در هریک از نهادهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌شد، سود آن جواب‌گوی هزینه‌های جاری و پروژه‌های نیمه‌کاره بود. اگر توجه کنیم، در دو یا سه مقطع طی چهل سال گذشته، شاهد افزایش قیمت نفت و کاهش مجدد آن بوده‌ایم. باید از تجارب گذشته برای آینده استفاده کرد.....



حضور شما بچه‌های نخبه در اردوهای جهادی، شما را با اوضاع کشورتان، با قشرها، با وظایف سنگینی که بر عهده‌ی همه‌ی ما هست و با کم‌کاری‌های ما در طول این سالهای بعد از انقلاب آشنا میکند و حرکت میدهد، خون در رگهای انسان با حضور در یک‌چنین جاهایی جریان پیدا میکند. ۱۳۹۵/۷/۲۸

سفر بعدی

گروه جهادی شهید وزوایی

کارگروه آموزشی

در راستای توانمند سازی دانش آموزان منطقه و گسترش عدالت آموزشی، قسمت آموزشی اقدام به برگزاری کلاس‌های آمادگی کنکور و امتحانات نهایی و نیز مشاوره تحصیلی و رفع اشکال برای دانش آموزان پایه‌های تحصیلی دهم، یازدهم و دوازدهم رشته‌های انسانی و تجربی و ریاضی و می‌نماید. که به طور متوسط در هر برنامه حدود ۴۰ دانش آموز از روستا های مختلف منطقه از برنامه‌ها استفاده کرده‌اند.

کارگروه سازندگی

هدف اصلی این کارگروه انجام پروژه‌هایی با بهره‌وری عمومی به منظور توانمند سازی اقتصادی و اشتغال زایی و نیز با هدف ساخت مراکز فرهنگی مذهبی در نقاط محروم می‌باشد. برخی از پروژه‌های این کارگروه عبارت‌اند از:
- کانال کشی آب به زمین زراعی در مجموع به طول هزار متر
- ساخت پایگاه بسیج به منظور مرکزیت فعالیت های اقتصاد مقاومتی منطقه
- ساخت مسجد به منظور مرکزیت فعالیت های فرهنگی مذهبی
- ساخت مدرسه با هدف گسترش عدالت آموزشی

کارگروه مطالبه‌گری

یکی از اهداف کارگروه مطالبه‌گری، پیگیری مشکلات مردم از مسئولین مربوطه و تلاش برای حضور مسئولین منطقه در نقاط محروم و مواجهه رودررو با اهالی می‌باشد. که از برکات این حرکت می‌توان به افزایش امید در بین اهالی مناطق محروم کشور اشاره کرد، همچنین جلسه با مسئولین رده بالا کشور به منظور بررسی مشکلات مناطق محروم بخش‌های مختلف کشور از دیگر اهداف این کارگروه می‌باشد.

کارگروه سازندگی تهران

این کارگروه در راستای کمک در حوزه سازندگی به خانواده‌های کم‌بضاعت شهر تهران و حاشیه شهر، با شناسایی‌های انجام شده به طور تخصصی در تهران، اقدام به انجام پروژه‌های عمرانی می‌نماید.

کارگروه فرهنگی

در این کارگروه مربیان متخصص به کودکان در قالب‌های مختلفی مانند شعر، کاردستی، نقاشی و بازی‌های مختلف مفاهیم موردنظر تربیتی را آموزش می‌دهند. یکی از فعالیت‌های هنری آموزش داده شده به جوانان در این کارگروه، دوخت کیف‌های نمدی می‌باشد؛ در کار با نمد بعد از آموزش اولیه با خلاقیت می‌توان کالاهای متنوعی تولید کرد همچنین این کارگروه برای بزرگسالان جلسات سبک زندگی در قالب‌های پرسش و پاسخ و سخنرانی برگزار می‌کند. برگزاری کلاس‌های روانخوانی قرآن، احکام، تربیت فرزند و همسرداری از دیگر فعالیت‌های این کارگروه می‌باشد.

میدان انقلاب



بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف، نشریه‌ی میدان انقلاب، سال چهارم، شماره‌ی ۶۳

مدیرمسئول: محمدعلی الهدادی زیر نظر شورای سردبیری

هیأت تحریریه: محمدحسین اعلمی، محمدجواد ثقفی، محمدصالح سلطانی، صدرا صراف

همکاران این شماره: علی منصوری، نگار دین‌پژوه، میلاد صمیمی‌فر، علیرضا درویشی، محمدعلی خادم‌سهی، امین

قندی جلاواتی، علیرضا کریمی، احمد سعیدی و محمدجواد ثقفی

طراح جلد و صفحه‌آرا: محمدعلی الهدادی